و چون از آنها و از آنچه که جز خدا مى‌پرستند کناره گرفتید، پس به غار پناه جویید، تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و براى شما در کارتان گشایشى فراهم سازد. (16) و آفتاب را مى‌بینى که چون برمى‌آید، از غارشان به سمت راست مایل است، و چون فرو مى‌شود از سمت چپ دامن برمى‌چیند، در حالى که آنان در جایى فراخ از آن [غار قرار گرفته‌]اند. این از نشانه‌هاى [قدرت‌] خداست. خدا هر که را راهنمایى کند او راه‌یافته است، و هر که را بى‌راه گذارد، هرگز براى او یارى راهبر نخواهى یافت. (17) و مى‌پندارى که ایشان بیدارند، در حالى که خفته‌اند و آنها را به پهلوى راست و چپ مى‌گردانیم، و سگشان بر آستانه [غار] دو دست خود را دراز کرده [بود]. اگر بر حال آنان اطلاع مى‌یافتى، گریزان روى از آنها برمى‌تافتى و از [مشاهده‌] آنها آکنده از بیم مى‌شدى. (18) و این چنین بیدارشان کردیم، تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند. گوینده‌اى از آنان گفت: «چقدر مانده‌اید؟» گفتند: «روزى یا پاره‌اى از روز را مانده‌ایم.» [سرانجام‌] گفتند: «پروردگارتان به آنچه مانده‌اید داناتر است، اینک یکى از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید، تا ببیند کدام یک از غذاهاى آن پاکیزه‌تر است و از آن، غذایى برایتان بیاورد، و باید زیرکى به خرج دهد و هیچ کس را از [حال‌] شما آگاه نگرداند. (19) چرا که اگر آنان بر شما دست یابند، سنگسارتان مى‌کنند یا شما را به کیش خود بازمى‌گردانند، و در آن صورت هرگز روى رستگارى نخواهید دید. (20)